



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

—

شیوه های بیان عقاید در قرآن

:

:

:



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات - علوم قرآن و حدیث

آقای حسن محمدی تحت عنوان

شیوه های بیان عقاید در قرآن

در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر محمدرضا حاجی اسماعیلی با مرتبه علمی استادیار

امضا

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر جعفر شانظری با مرتبه علمی استادیار

امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر محسن صمدانیان با مرتبه علمی استادیار

امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر محمد مشکات با مرتبه علمی استادیار

امضای مدیر گروه
دکتر رضا شکرانی

چکیده

قرآن مجموعه آموزه ای آسمانی است که توسط آخرین سفیر الهی، رسول خاتم، حضرت محمد (ص)، آورده شده و کتابی جامع برای هدایت انسان در تمام زمان هاست. از آنجا که کتاب قرآن عام است و تمام انسان ها را در تمام اقالیم هفتگانه زمین فرا می خواند و در میان آنها گروه ها و قشرهای متفاوت با فرهنگ، آئین، آداب و مسلک خاص وجود دارد، از این رو قرآن با هر گروه و قومی، در هر سطحی به شیوه ی خاص خود سخن گفته و معارف بلند و جامع خود را به منظور هدایت آنها، ارائه کرده است. آنچه در این پژوهش، با اهمیت دانسته شده است، شناخت روش و شیوه هایی است که قرآن برای هدایت عموم مردم به کار گرفته است، بدیهی است که گسترش آموزه های قرآنی نیز منوط به تبلیغ و اشاعه و بهره مندی از این شیوه هاست. حتی در عصر و دورانی که با کمک ابزارها و وسایل ارتباط جمعی، ترویج افکار و اطلاع رسانی اندیشه ها و باورها بسیار سریع و آسان شده است، لیکن در این تحقیق سعی شده است تا با تدبیر در قرآن، به شناسایی روش و شیوه های قرآنی پرداخته شود تا با بهره گیری از ابزارهای لازم، بتوانیم به کمک شیوه ها و روش های قرآن، و شناسایی عوامل موثر در تبلیغ، در نشر معارف الهی موفق آییم و بر این باوریم که با گذشت هزار و چهارصد سال از زمان نزول قرآن، اکنون نیز بهره گیری از آن شیوه های قرآنی کارآمد تر است. در پایان به ابزارها و تکنیک های مدرن در استفاده ی صحیح و یا غلط آن، در برابر کارآمدی شیوه های دین اشاره شده است.

کلید واژه ها: قرآن، روش، شیوه، عقاید، تبلیغ، هدایت.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۲-۱- تبیین مسئله ی پژوهشی و اهمیت آن ۲
- ۳-۱- پیشینه ی تحقیق ۴
- ۴-۱- سوالات و فرضیه ها ۶
- ۵-۱- اهداف پژوهش ۶
- ۶-۱- روش پژوهش ۶

فصل دوم : شرح کلیات

- ۱-۲- دین ۸
- ۱-۱-۲- معنای لغوی دین ۸
- ۲-۱-۲- معنای اصطلاحی دین ۹
- ۳-۱-۲- اسلام، دین کامل ۱۰
- ۴-۱-۲- تاریخ پیدایش دین ۱۱
- ۵-۱-۲- علل گرایش به دین ۱۲
- ۲-۲- توحید ۱۴
- ۱-۲-۲- توحید ذاتی ۱۴
- ۲-۲-۲- توحید افعالی ۱۴
- ۳-۲-۲- توحید صفاتی ۱۵
- ۴-۲-۲- توحید عبادی ۱۵
- ۳-۲- معاد ۱۶
- ۴-۲- نبوت ۱۷

فصل سوم : شیوه های بیان عقاید در قرآن

- ۱-۳- شیوه ی بیان عقاید از سوی خدا ۱۹
- ۱-۱-۳- شیوه ی ناظر بر فطرت ۲۰

عنوان

صفحه

۲۱	۳-۱-۱-۱- معنای لغوی.....
۲۲	۳-۱-۲- معنای اصطلاحی.....
۲۲	۳-۱-۳- فطرت و مشتقات آن در قرآن.....
۲۳	۳-۱-۴- معانی مشتقات فطرت در تفاسیر.....
۲۳	۳-۱-۴-۱- فطرت.....
۲۴	۳-۱-۴-۲- فاطر.....
۲۴	۳-۱-۴-۳- فطور.....
۲۵	۳-۱-۴-۵- منفطر.....
۲۵	۳-۱-۵- جایگاه فطرت در پذیرش عقاید.....
۳۰	۳-۱-۶- قرآن و شیوه ی گفتگو با فطرت در بیان عقاید.....
۳۱	۳-۱-۶-۱- توحید.....
۳۲	۳-۱-۶-۲- معاد.....
۳۶	۳-۱-۲- تمثیل.....
۳۶	۳-۱-۲-۱- معنای لغوی.....
۳۷	۳-۱-۲-۲- معنای اصطلاحی.....
۳۷	۳-۱-۲-۳- اهمیت و جایگاه تمثیل.....
۳۹	۳-۱-۲-۴- اقسام تمثیلات.....
۴۰	۳-۱-۲-۵- بیان توحید از طریق تمثیل.....
۴۲	۳-۱-۲-۶- بیان معاد از طریق تمثیل.....
۴۵	۳-۱-۳- شیوه ی قصه گویی.....
۴۵	۳-۱-۳-۱- تعریف لغوی.....
۴۶	۳-۱-۳-۲- تعریف اصطلاحی.....
۴۶	۳-۱-۳-۳- نقش قصه و داستان در زندگی انسان.....
۴۷	۳-۱-۳-۴- اهمیت و جایگاه قصه در قرآن.....
۴۸	۳-۱-۳-۵- شیوه ی ارائه ی معارف الهی بر پایه ی قصه.....
۴۸	۳-۱-۳-۵-۱- توحید.....
۴۹	۳-۱-۳-۵-۲- معاد.....

۱-۳-۵-۲-۱- بیان نمونه هایی از زنده شدن مردگان در دنیا.....	۵۰
۳-۱-۴- شیوه ی الگویی.....	۵۳
۳-۱-۴-۱- تعریف لغوی.....	۵۵
۳-۱-۴-۲- تعریف اصطلاحی.....	۵۵
۳-۱-۴-۳- اهمیت و جایگاه الگو و اسوه	۵۵
۳-۱-۴-۴- نقش قرآن در الگوپذیری انسان.....	۵۷
۳-۱-۴-۵- بیان تعدادی از الگوهای قرآنی.....	۶۰
۳-۱-۵- شیوه ی تکرار.....	۶۹
۳-۱-۵-۱- فایده های تکرار	۷۰
۳-۱-۵-۲- شیوه ی تکرار در بیان توحید	۷۱
۳-۱-۵-۳- شیوه ی تکرار در بیان نبوت.....	۷۲
۳-۱-۵-۴- شیوه ی تکرار در بیان معاد.....	۷۴
۳-۱-۶- شیوه ی بشارت و انذار	۷۴
۳-۱-۶-۱- معنای لغوی.....	۷۵
۳-۱-۶-۲- معنای اصطلاحی.....	۷۵
۳-۱-۷- شیوه ی مقایسه ای.....	۸۱
۳-۱-۷-۱- نمونه هایی از شیوه ی مقایسه ای در قرآن.....	۸۱
۳-۱-۷-۱-۱- مقایسه ی دنیا و آخرت.....	۸۱
۳-۱-۷-۱-۲- مقایسه ی مومن و فاسق.....	۸۴
۳-۱-۷-۱-۳- مقایسه ی مشرک و موحد.....	۸۵
۳-۱-۷-۱-۴- مقایسه ی دریای شور و شیرین.....	۸۵
۳-۱-۷-۱-۵- مقایسه ی بینا و کور.....	۸۶
۳-۱-۷-۱-۶- مقایسه ی عالم و جاهل.....	۸۶
۳-۱-۷-۱-۷- مقایسه ی زندگان و مردگان.....	۸۸
۳-۱-۷-۱-۸- مقایسه ی نور و ظلمات.....	۸۸
۳-۱-۷-۱-۹- مقایسه ی اهل دوزخ و اهل بهشت.....	۸۸
۳-۱-۷-۱-۱۰- مقایسه ی انفاق کنندگان قبل از جنگ و انفاق کنندگان پس از جنگ.....	۸۹

عنوان

صفحه

۹۰	۲-۳- شیوه های تبیین عقاید در قرآن.....
۹۱	۳-۲-۱- حکمت.....
۹۱	۳-۲-۱-۱- تعریف لغوی:.....
۹۲	۳-۲-۱-۲- تعریف اصطلاحی.....
۹۲	۳-۲-۱-۳- دیدگاه مفسران راجع به واژه ی حکمت :.....
۹۴	۳-۲-۱-۴- جایگاه حکمت در کتاب آسمانی پیامبر اعظم (ص).....
۹۵	۳-۲-۱-۵- معنای حکمت در آیه ی «من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا».....
۹۷	۳-۲-۱-۶- اثبات توحید از طریق استدلال و برهان(حکمت):.....
۱۰۱	۳-۲-۱-۷- اثبات معاد از طریق حکمت و برهان.....
۱۰۳	۳-۲-۲- موعظه.....
۱۰۴	۳-۲-۱- معنای لغوی.....
۱۰۵	۳-۲-۲- معنای اصطلاحی.....
۱۰۵	۳-۲-۳- اهمیت و جایگاه موعظه.....
۱۰۷	۳-۲-۴- اقسام موعظه.....
۱۰۷	۳-۲-۴-۱- موعظه ی غیر حسنه.....
۱۰۹	۳-۲-۴-۲- موعظه حسنه.....
۱۱۲	۳-۲-۵- موعظه در قرآن.....
۱۱۵	۳-۲-۳- جدل.....
۱۱۶	۳-۲-۱- معنای لغوی.....
۱۱۷	۳-۲-۲- معنای اصطلاحی.....
۱۱۷	۳-۲-۳- اقسام جدل.....
۱۲۱	۳-۲-۴- دیدگاه اهل بیت در ارتباط با مجادله.....
۱۲۲	۳-۲-۵- ارائه ی عقاید اسلامی از طریق مجادله.....
۱۲۲	۳-۲-۱-۵- اثبات توحید از طریق مجادله.....
۱۲۵	۳-۲-۵-۲- اثبات معاد از طریق جدال.....
	فصل چهارم : تبلیغ دین
۱۲۸	۴-۱- جایگاه و اهمیت تبلیغ.....

۱۳۰	۲-۴- ویژگی‌های مبلغ.....
۱۳۰	۱-۲-۴ آگاهی.....
۱۳۱	۲-۲-۴ ایمان.....
۱۳۱	۳-۲-۴ عمل.....
۱۳۲	۴-۲-۴ نرمش و نرم خویی.....
۱۳۳	۵-۲-۴ صبر و استقامت.....
۱۳۵	۶-۲-۴ شهامت و شجاعت.....
۱۳۶	۷-۲-۴ بی نیازی و اخلاص.....
۱۳۶	۳-۴ نحوه‌ی تبلیغ از دید قرآن.....
۱۳۷	۱-۳-۴ تبلیغات گروهی همراه با انسجام و برنامه ریزی.....
۱۳۸	۲-۳-۴ شیوه‌ی یادآوری نعمت‌ها.....
۱۳۸	۳-۳-۴ شیوه‌ی تحریک عواطف.....
۱۴۰	۴-۳-۴ شیوه بیدار کردن وجدان.....
۱۴۰	۵-۳-۴ شیوه‌ی تهدید و تشویق.....
۱۴۱	۶-۳-۴ بیداری سازی عقل‌ها و فطرت‌ها.....
۱۴۱	۷-۳-۴ شیوه تمثیل.....
۱۴۲	۸-۳-۴ شیوه‌ی حکمت، جدل و مناظره.....
۱۴۵	۹-۳-۴ شیوه‌ی قصه‌گویی.....
۱۴۶	۴-۴ آسیب شناسی تبلیغات دین.....
۱۴۷	۱-۴-۴ ناهمگونی رفتار و کردار.....
۱۴۹	۲-۴-۴ سخنان باطل و ناروا.....
۱۵۰	۳-۴-۴ استبداد به رأی.....
۱۵۱	۴-۴-۴ پرگویی.....
۱۵۲	۵-۴-۴ به رنج افکندن دیگران.....

فصل پنجم: شیوه‌های غلط و ابزارهای نوین در بیان عقاید

۱۵۵	۱-۵ شیوه‌های غلط بیان عقاید.....
۱۵۶	۱-۱-۵ تحریف حقایق و واقعیت‌ها.....

۱-۵-۲- دروغ پردازی.....	۱۵۶
۱-۵-۳- تخریب رهبران و مدیران.....	۱۵۷
۱-۵-۴- دین زدایی و ترویج سکولاریسم.....	۱۵۷
۱-۵-۵- برخورد گزینشی در انتشار اخبار و اطلاعات.....	۱۵۸
۱-۵-۶- جلب اطمینان.....	۱۵۸
۱-۵-۷- برچسب زدن از طریق تهمت و افتر.....	۱۵۹
۱-۵-۸- کوچک شمردن و بی ارزش جلوه دادن برخی رخدادهای بزرگ.....	۱۵۹
۱-۵-۹- جنگ روانی.....	۱۶۰
۲-۵-۲- ابزار های نوین بیان عقاید.....	۱۶۱
۲-۵-۱- استفاده از رسانه های جمعی.....	۱۶۱
۲-۵-۲- ساخت فیلم های سازنده در ارتباط با مسایل اعتقادی.....	۱۶۱
۲-۵-۳- ایجاد کلاس های اعتقادی در مدارس.....	۱۶۲
۲-۵-۴- چاپ مجلات و نشریه های اعتقادی.....	۱۶۲
۲-۵-۵- استفاده از پیام کوتاه و اس ام اس.....	۱۶۳
۲-۵-۶- برگزاری مناظرات علمی و اعتقادی.....	۱۶۳
۲-۵-۷- برگزاری همایش و کنفرانس بین المللی.....	۱۶۳
۲-۵-۸- تاسیس مراکز تبلیغاتی در سایر کشور ها.....	۱۶۳

فصل ششم: نتیجه گیری

نتیجه گیری.....	۱۶۵
منابع و مآخذ.....	۱۶۸

:

اسلام آئینی آسمانی است، که برای عموم مردم جهان، توسط حضرت محمد بن عبدالله صلی الله و علیه و آله، ابلاغ شده است و هدفش هدایت، رشد و تعالی انسان بوده، و دارای برنامه ها و قوانین منظمی است که هدایت انسان به سوی کمال، منوط به عمل به این قوانین و دستورات است. این قوانین و دستورات، از جهان بینی و بینش خاصی پیروی می کنند، یعنی تعالیم اسلام بر اصول و بینش خاصی در هستی شناسی و انسان شناسی استوار است و لازمه ی عمل به آن تعالیم، شناخت و پذیرش آن اصول است. این اصول، که به اصول اعتقادی موسوم است، از جایگاه ویژه ای در اسلام برخوردار است. عقاید جمع عقیده به معنای باور است که شخصیت و هویت انسان را می سازد. بی تردید شاکله واقعی انسان براساس عقاید و باورهای او شکل می گیرد. باورمندی و عقیده به انسان انگیزه می دهد، به گونه ای که اگر عقاید انسان صحیح و مطابق با واقع باشد، در مسیر زندگی به بیراهه نمی افتد، زیرا به طور کلی رفتار انسان ها خودآگاه یا ناخودآگاه، تحت تاثیر عقاید وی، یا به عبارت دیگر جهان بینی وی قرار می گیرد. هر انسانی، نگرش خاصی نسبت به جهان آفرینش دارد و بر اساس آن نگرش، عقاید و باورهای خود را شکل می دهد و به مقتضای این باور ها و بینش ها، عمل می نماید. نقش عقاید در رفتار و اخلاق انسان قابل چشم پوشی نیست. البته آنچه انسان را به مسیر کمال رهنمون می سازد، اعتقاد صحیح است، «عقیده ی حق آن

است که براساس عقل سالم و مورد تایید وحی و انبیای الهی و یا برگرفته از آنها باشد، ملاک حق بودن عقیده ی دین، مطابقت آن با وحی و فطرت و سازگاری با موازین عقلانی است» (منتظری، ۱۳۸۵، ۸۰). تمامی اعمال انسان در گرو عقاید وی است و بنابر نوع عقاید، اعمال خاصی از وی صادر می گردد، اگر اعتقادات باطل و ناحق باشد، اعمال و اخلاق انسان نیز خبیث گردیده و سرعت او را در فرورفتن به منجلاب تباهی افزونی می بخشد و به قعر جهنم ضلالت و گمراهی می کشاند.

اگر دین را به درختی تناور و بارور، تشبیه کنیم، مبانی عقیدتی، به مثابه ریشه های آن هستند. این ریشه ها باید در پرتو چراغ عقل، در اعماق قلب انسان پابرجا گردد تا میوه های شیرین و گوارا (اعمال صالح) به بار آید و سعادت و خوشبختی در دو جهان تأمین شود. گرچه سعادت و رستگاری انسان در گرو اندیشه، بینش و باور درست انسان و پایبندی عملی بدان است ولی اجرایی و عملی شدن این باور ها و پایبندی به باید ها و نباید های مربوط به آن، در گرو شناخت و آگاهی انسان نسبت به خود است.

در تفکر اسلام ناب، شناخت انسان تا بدان حد اهمیت دارد که در یک تعبیر از امیر مومنان علی (ع)، ملازم و همتای شناخت خداوند به شمار آمده و در تعبیری دیگر از آن حضرت، بالاترین مرتبه معرفت و علم قلمداد شده است.

«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۱، ۱۹۴/۵).

(کسی که خود را بشناسد، خدای خویش را شناخته است).

چرا که خودشناسی و در نتیجه خداشناسی، عامل اساسی تحرک و بیداری انسان و نیز علت مهم تعهد و مسئولیت پذیری انسان برای آینده ی خود و جامعه به روش خداپسندانه است و همین موجب سوق دادن انسان به سوی رشد و تعالی و کمال معنوی می گردد.

عقاید در هر فرهنگ و مکتبی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، این مطلب در دین اسلام جایگاه برتری دارد، دین اسلام، دین همگانی است. خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا/۲۸).

(ای محمد (ص) ما تو را نفرستاده ایم مگر برای تمام مردم که آنان را بشارت دهی (بیهشت) و بترسانی و

تهدید نمایی آنها را از جهنم و لکن بیشتر مردم نمیدانند).

از این رو بررسی اصول اعتقادی اسلام، وظیفه ای است که برعهده ی هر مسلمانی است. «اذعان قلبی و یقین جازم، و در شرح تجرید خواه آمده است که اعتقاد اطلاق می گردد بر مطلق تصدیق، خواه جازم یا نه، خواه مطابق واقع یا نه، ثابت باشد یا نباشد» (حسینی دشتی، ۱۳۶۹، ج ۱/۲۲۵). «عقیده به معنای تعلق اندیشه و فکر انسان به چیزی و در ذهن و قلب جای دادن آن است، واژه ی اعتقاد در جایی بکار می رود که شخص به باوری که نسبت به چیزی پیدا کرده است، احساس وابستگی کند، به همین جهت عقیده نوعی باور است» (منتظری، ۱۳۸۵، ۷۹).

اصول اعتقادی اسلام شامل توحید، معاد و نبوت است. توجه و پذیرش این اصول، لازمه ی پذیرش دین اسلام است. دین اسلام بدون توجه به این اصول، قابل تصور نیست. با توجه به اینکه قرآن جامع ترین کتاب آسمانی و جامع هدایت است، قرآن به زیبایی به بیان اصول اعتقادی پرداخته است. هیچ کتابی مانند قرآن به شرح اصول اعتقادی پرداخته است، اصول موجود در قرآن نیاز به تبیین و ابلاغ دارد تا عموم مردم بتوانند از معارف آن آگاه گردند و با کمک عقل، به تجزیه - تحلیل آن بپردازند و با پذیرش آن اصول، به اعمال و رفتار خود صبغه ی اسلامی دهند، قبل از هر چیز، فهم این موضوع که قرآن برای بیان عقاید خویش از چه شیوه هایی بهره برده است، حائز اهمیت است. آیا قرآن از شیوه ی یکسانی در بیان عقاید خویش استفاده کرده است یا از شیوه های مختلفی سود جسته است؟ هر شیوه چه زمانی کارآمد است؟ با همه ی اهمیتی که این موضوع دارد، تا به حال کتابی مستقل در زمینه ی شیوه های بیان عقاید نگارش نیافته است. با تدبر در قرآن می توان به برخی از شیوه های رایج در بیان عقاید پی برد. از نمونه آیاتی که به صراحت به بیان برخی از شیوه های قرآن پرداخته است، آیه ی ۱۲۵ سوره نحل است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ».

(با حکمت و موعظه نیکو، (مردم) را به راه پروردگارت بخوان، و با آنان به صورتی که نیکوتر است مجادله کن، همانا پروردگارت به کسی که از راه او گم شده، داناتر است و او به هدایت یافته گان نیز داناتر است.)

البته شیوه های بیان عقاید به همین سه روش محدود نبوده و از دیگر شیوه ها نظیر شیوه ی فطری، شیوه ی قصه گوئی، شیوه ی ناظر به تکرار و دیگر شیوه ها که به آنها پرداخته خواهد شد، سود جسته است. از آنجا که عقاید نیاز به تبلیغ و ابلاغ دارد، این پژوهش درصدد است تا با تدبر در قرآن، به شیوه های بکار رفته در قرآن بپردازد. از آنجا که همه ی مفاهیم قرآنی و بویژه عقاید، با استمداد از تبلیغ به مخاطبین قرآن، یعنی عموم جهانیان، ابلاغ می گردد، و با توجه به اهمیت تبلیغ و جایگاه آن در بیان شیوه های عقاید، علاوه بر تشریح شیوه های بیان

عقاید، اهمیت و جایگاه تبلیغ نیز تبیین خواهد شد. در اهمیت و جایگاه تبلیغ در بیان شیوه های عقاید همین بس که یکی از اهداف بعثت انبیاء، تبلیغ دین و عقاید بیان نموده است. «و ما علی الرسول الا البلاغ» (مائده/۹۹).
(و بر رسول جز ابلاغ دین نیست).

بنابراین هدف از تدوین این پایان نامه، تبیین شیوه های بیان عقاید در قرآن است. البته این شیوه ها مختص به مبانی اعتقادی نیست، بلکه در اخلاق و احکام نیز راهگشاست و می تواند در ترویج و گسترش مبانی اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد، ولی در این رساله، صرفاً به بیان مصادیق اعتقادی پرداخته شده است.
درضمن، منظور از شیوه در این رساله، مجموعه کاربردهای عملی و عینی قرآن، در نشر و گسترش افکار و اندیشه ها و عقاید دین است که این کتاب آسمانی بکاربرده است، زیرا مخاطب قرآن عموم مردم بوده است، لذا از شیوه ها، متدها و روش های گوناگونی برای بیان عقاید بهره برده است که در این رساله به برخی از پرکاربردترین آنها اشاره خواهد شد.

با توجه به اهمیت مسایل اعتقادی، دانشمندان به تحقیقات فراوانی دست زده و کتابهای فراوانی تألیف نموده اند، و در مباحث دینی بالاخص مباحث اعتقادی، کتب و تحقیقات فراوانی صورت پذیرفته است.
از نمونه کتاب هایی که به بحث و گفتگو پیرامون مباحث اعتقادی پرداخته است، کتاب «آموزش دین»، تألیف استاد مصباح یزدی است. این کتاب صرفاً به طرح مباحث اعتقادی پرداخته است ولی به بررسی شیوه های بیان عقاید نپرداخته است.

همچنین شهید مطهری در کتاب «ده گفتار» بخشی از آن را به طرح مباحث اعتقادی اختصاص داده است. نگارنده تا به حال به کتابی تحت عنوان شیوه های بیان عقاید در قرآن و یا کتابی در این راستا برخورد ننموده ام، ولی چهار کتاب وجود دارند که به بررسی شیوه های تبلیغی پرداخته اند، کتاب «اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنها» تألیف مصطفی عباسی مقدم، کتاب «تبلیغ دین از منظر دین» و کتاب «قرآن و تبلیغ» تألیف محسن قرائتی و کتاب «تبلیغ دین از منظر قرآن و حدیث» تألیف محمدی ری شهری، که به اختصار به معرفی هر یک از این آثار پرداخته می شود:

این کتاب تألیف آقای مصطفی عباسی مقدم، می باشد که در سال ۱۳۷۹ به طبع رسیده است. این کتاب با ارزش، تمامی شخصیت های مثبت که می توانند به عنوان اسوه در جامعه باشند و نام آنها به گونه ای در قرآن ذکر شده بیان کرده است. با این وجود، این کتاب به شناسایی و بیان شیوه های بکار رفته در قرآن پرداخته است، و اگر احیاناً در بخشی از کتاب به شیوه های بیان اشاره کرده است، بسیار مختصر است.

کتاب قرآن و تبلیغ در سال ۱۳۷۲ توسط آقای محسن قرائتی تألیف گشته است، که در آن تبلیغ و شیوه های تبلیغی را در چند بعد با شواهد قرآنی ذکر نموده است.

البته کتاب فصل بندی نشده است اما بوسیله تیرهای اصلی، به معرفی این کتاب می پردازیم. مقدمه کتاب با پیشگفتار، تبلیغ چیست، قلمرو و مراحل تبلیغ، ضرورت تبلیغ، پاداش تبلیغ، عنصر مکان در تبلیغ عنصر زمان در تبلیغ شروع گشته است. بعد از آن وارد مباحث اصلی کتاب می شود که شامل ابزار تبلیغ، صفات و آداب سخن، صفات مبلغ، شیوه های تبلیغ، وظایف مبلغ، و هشدارهایی به مبلغ است.

یکی دیگر از کتبی که در زمینه ی تبلیغ نگارش یافته است، کتاب تبلیغ دین از منظر دین است. این کتاب که جمعی از نویسندگان درتالیف آن نقش داشته اند و توسط پژوهشکده ی تحقیقات اسلامی تدوین شده است در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات زمزم چاپ شده است.

این کتاب، تألیف محمدی ری شهری است، در این کتاب، ابتدا به دسته بندی مبانی تبلیغی پرداخته سپس آیات متناسب با هر اصلی را ذکر نموده و در انتها به ذکر روایات اهل بیت (ع) از منابع مختلف روایی پرداخته است.

گذشته از کتب بالا، اکثر کتب تفسیری نیز به بیان مباحث اعتقادی پرداخته اند مانند: تفسیر المیزان، این تفسیر، شاهکار تفاسیر معاصر است که توسط علامه محمد حسین طباطبایی رضوان الله تعالی علیه تألیف شده است. علامه به فراخور نیاز در این تفسیر، به مباحث اعتقادی پرداخته است. از دیگر کتب شیعه که به طرح مباحث اعتقادی پرداخته است، تفسیر کوثر، تألیف جعفر یعقوبی است.

در میان تالیفات اهل تسنن، مفاتیح الغیب، تالیف فخر رازی، که در ۳۲ جلد تالیف شده است، کتاب موفق است که در سال ۱۴۲۰ قمری توسط انتشارات دار احیا التراث العربی در بیروت چاپ شده است. اگرچه در این زمینه کتب مختلفی نگاشته شده است، ولی هیچ کدام به دسته بندی مناسبی در زمینه ی شیوه های بیان عقاید پرداخته اند، و یا به اجمال با آن پرداخته اند. نگارنده با تحقیقاتی که انجام دادم، به هیچ کتاب یا مقاله ای تحت عنوان «شیوه های بیان عقاید در قرآن» و یا موضوعی نزدیک به آن دست نیافتم، لذا تصمیم گرفتم تا به بررسی شیوه های بیان عقاید در قرآن پردازم.

سوالات و فرضیه ی پژوهش چنین است:

- ۱- شیوه های بیان عقاید در قرآن چیست؟
- ۲- نقش شیوه های تبلیغی در پذیرش عقاید از سوی مردم چیست؟
- ۳- آیا شیوه های بیان عقاید در طول تاریخ یکسان است، یا باید تغییر کند؟

۱. بررسی شیوه های تبیین عقاید در قرآن.

۲. بررسی نقش شیوه های تبلیغی در پذیرش عقاید از سوی مردم.

۳. بررسی امکان یا عدم امکان تغییر در روش ها و شیوه های بیان عقاید با توجه به گذر زمان.

روش این رساله، کتابخانه ای- اسنادی است.

:

در این فصل به تعریف اصطلاحات پرداخته می شود . بنابراین، به شرح واژه های شیوه، تبلیغ و عقاید پرداخته خواهد شد و در ادامه به بیان عقاید اسلامی اشاره خواهد شد.

شیوه: مراد از شیوه، متد و روش انجام دادن کار است. در این رساله مراد از شیوه، مجموعه ی کاربردهای عملی و عینی، متدها و روش هایی است که در گسترش و نشر افکار و اندیشه ها و عقاید دینی، از قرآن فهمیده می شود.

تبلیغ: «تبلیغ در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او است و بر سه عنصر اصلی، پیام دهنده، پیام گیرنده و محتوای پیام مبتنی است.» (رهبر، ۱۳۷۱، ۸۰).

از نظر قرآن کریم و احادیث اسلامی، رساندن پیام های سازنده خداوند مهربان به اندیشه و دل مردم، مهمترین وظیفه انبیای الهی و ادامه دهندگان راه آنان است. به انجام رساندن این وظیفه تا آنجا اهمیت دارد که قرآن، خطاب به پیامبر گرامی اسلام تأکید می فرماید: «ان علیک الا البلاغ». (شورا/۴۸).

(بر عهده ی تو جز رساندن پیام نیست.)

عقاید: منظور از عقاید، باورها و بینش هایی است که به زندگی انسان هدف می دهد و شخصیت وی را می سازد. «عقیده به معنای تعلق اندیشه و فکر انسان به چیزی و در ذهن و قلب جای دادن آن است، واژه ی اعتقاد در

جایی بکار می رود که شخص به باوری که نسبت به چیزی پیدا کرده است، احساس وابستگی کند، به همین جهت عقیده نوعی باور است» (منتظری، ۱۳۸۵، ۷۹).

در ادامه به عقاید اسلام، که شامل توحید، معاد و نبوت است، اشاره می شود، از آنجا که به اصول عقاید، اصول دین گفته می شود، ابتدا به شرح واژه ی دین پرداخته می شود.

دین، ماندگارترین میراث فرهنگی بشریت است که از سوی انبیا به سوی مردم فرستاده شده است که با انجام دستورالعملهای آن سعادت انسان در دنیا و آخرت تضمین می شود. «دین پژوهان و پژوهشگران تاریخی با توجه به اسناد به جا مانده از دوران کهن و نیز با استناد به این واقعیت که گرایش به دین و خدا، درونی و فطری بشر است، اظهار می دارند که دین، همزاد بشر بوده و او دینداری، پرستش و گرایش دینی را از روز نخست زندگی، آغاز کرده است». (ناس، ۱۰۷، ۱۳۴۸).

«تاجایی که تاریخ نشان می دهد اکثر افراد بشر به خدا ایمان داشته اند و بنابراین دیندار بوده اند، اگرچه در میان جوامع خداشناس و متدین اختلاف نظر وجود داشته است و هر قومی مبدا آفرینش را با اوصاف مخصوصی می شناختند، مطالعه ی زندگی بشر نشان می دهد که هر زمان و هر جا بشر وجود داشته است، پرستش موجود برتر و مافوق هم وجود داشته است البته معبود مورد پرستش متفاوت بوده است» (منتظری، ۱۳۸۵، ۱۰۵).

انسانها، از بدو خلقت، به دین اعتقاد داشته اند، و آن را در زندگی شان بکار بسته اند. انسان ها، از ابتدا به دین احساس نیاز می کردند، این نیاز، از ابتدا در نهاد انسان وجود داشته است، در کتاب دین و زندگی آمده است «در مورد علل گرایش به دین نظرات مختلفی بیان شده است، برخی عاطفه ی دینی را منشا وابستگی انسان به دین معرفی کرده اند، برخی حس تعلق و وابستگی به قدرت مافوق را علت نیاز و روی آوردن به دین معرفی کرده اند، عده ای ترس، گروهی به جهل و فرقه ای به نیاز جنسی اشاره کرده اند، عده ای هم حس بی نهایت طلبی که در نهاد انسان ها وجود دارد، را علت گرایش به دین معرفی نموده اند». (ر.ک. جیمز، ۱۳۷۲، ۳).

برای دین، معانی مختلفی بیان شده است که در زیر به تعدادی از آن ها اشاره می شود:

«واژه ی دین تقریباً در تمامی فرهنگ های لغت و در تمامی ملل وجود دارد، واژه دین گرچه عربی است ولی در فرهنگ لغات ملل مختلف به معانی: حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن، آمده است» (مبلغی، ۱۳۷۳، ج ۱/۳۳).

«جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، ملت، اسلام، روش و رویه، شرک و بت پرستی و توحید و خداپرستی آمده است». (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۱/۷۶).

«معنای لغوی دین انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا است و معنای اصطلاحی آن، مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ۹۳).

«دین در اصطلاح به برخی امور مقدس گفته می شود که ارتباط تنگاتنگی با ذات انسان دارد و خواست معنوی انسان را پاسخ می دهد و او را سیراب می کند و در صورتی حق است که از سوی خدا نازل شده باشد.» (منتظری، ۱۳۸۵، ۳۳).

«دین در اصطلاح به معنای اعتقاد به آفریننده ای برای جهان انسان و دستورات عملی متناسب با این اعتقاد می باشد.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ج ۱/۲۸).

«دین، عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران (ع) از طرف خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند. دانستن این عقاید و انجام این دستورها سبب خوشبختی انسان، در دو جهان است.» (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱/۱۵).

«دین، روش ویژه ای در زندگی دنیوی است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می کند. از این رو، لازم است شریعت، دربرگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید.» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۲/۱۳۰).

«دین، عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که زاید اعتقاد و عمل به آنها تضمین کننده سعادت حقیقی انسان است. از این رو، لازم است دین، با فطرت انسانی، هماهنگ باشد تا تشریح با تکوین، مطابقت داشته، و به آنچه آفرینش انسان، اقتضای آن را دارد پاسخ گوید. چنان که مفاد آیه فطرت «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» (روم/۳۰) همین است.» (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۶/۱۹۳).